

# سلاحی جدید علیه فقر

ژوزه گارسون

خرده وام‌دهی، این سلاح جدید مبارزه با فقر برای آنکه کاملاً کارا و مؤثر باشد باید در بطن استراتژی گسترده‌ای برای توسعه فرهنگی، آموزشی و اجتماعی جای گیرد

همه چیز با این پرسش ساده آغاز شد که یک دولت یا تعاونی از فقر، چه تعریف عملی و مستقل از رنج فردی، می‌تواند ارائه دهد؟ به عبارت دیگر، چه سیاست‌هایی را در مبارزه با فقر باید در پیش گرفت و چگونه می‌توان موفقیت این سیاست‌ها را ارزیابی کرد؟

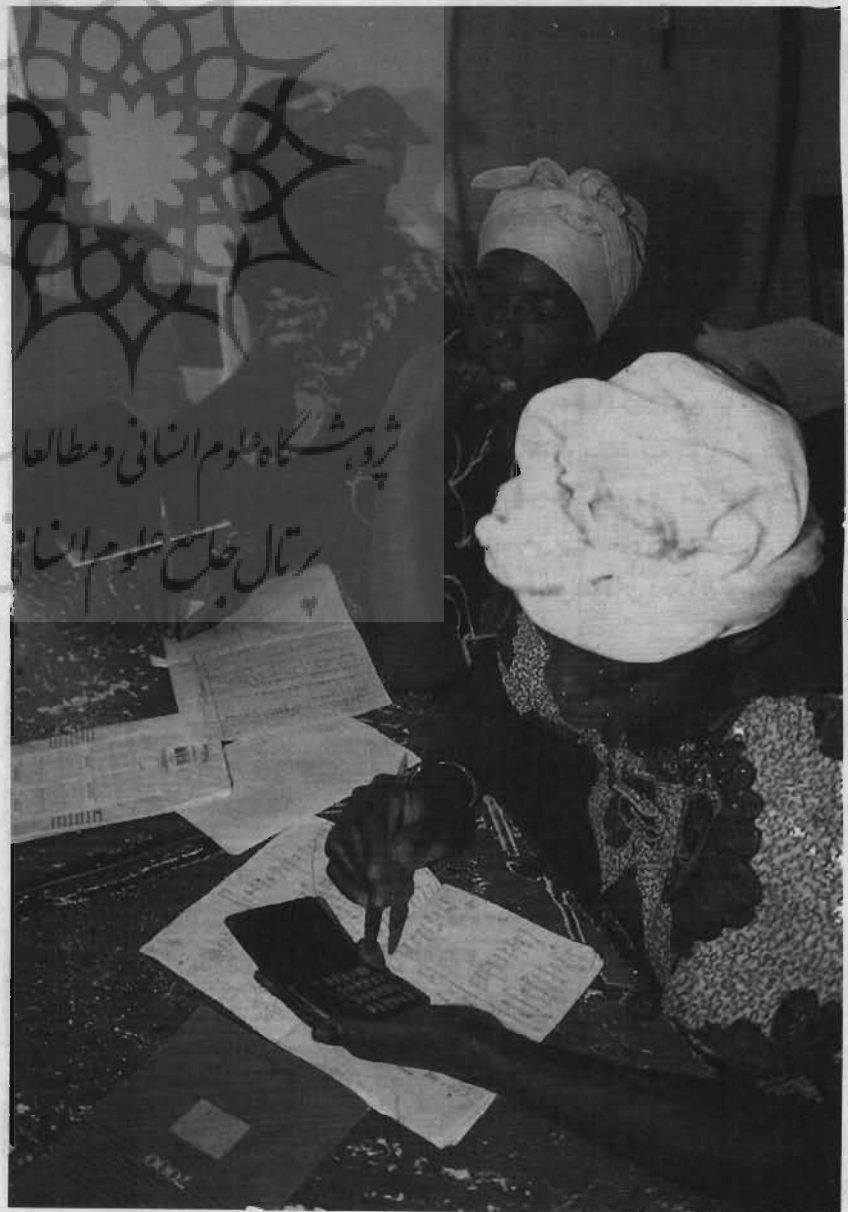
اقتصاددانان پس از اندکی تردید و درنگ، تعریفی را در پاسخ به این پرسش‌ها ارائه دادند که می‌شد با آن، مقیاس‌های فقر را تعیین کرد و پیشرفتهای انجام شده در مبارزه با آن را ارزیابی کرد. این تعریف چنین است: فقر وضعیت کسی است که از یک سو درآمدی بسیار کمتر از باقی مردم دارد و از سوی دیگر، از دستیابی حقیقی به خدمات پایه‌ای و ضروری برای زندگی، همچون بهداشت، مسکن و آموزش محروم است. در یک جمعیت معین، فقیران کسانی هستند که کمترین درآمد و در نتیجه، کمترین مصرف را دارند. همچنین فقیران کسانی هستند که به دلیل بی‌بهره بودن از خدمات همگانی دولت برای همه شهروندان، در بدترین کیفیت زندگی به سر می‌برند. در چنین بافتی، کاهش فقر عبارت است از تمرکز بر هدفی مشخص (در اینجا یعنی کم‌درآمدترین قشرهای جمعیت)، از رهگذر این دو پارامتر. و سیاست کاهش فقر در صورتی به هدف خود خواهد رسید که افزایش پایدار درآمدهای این قشر از جمعیت را فراهم آورد.

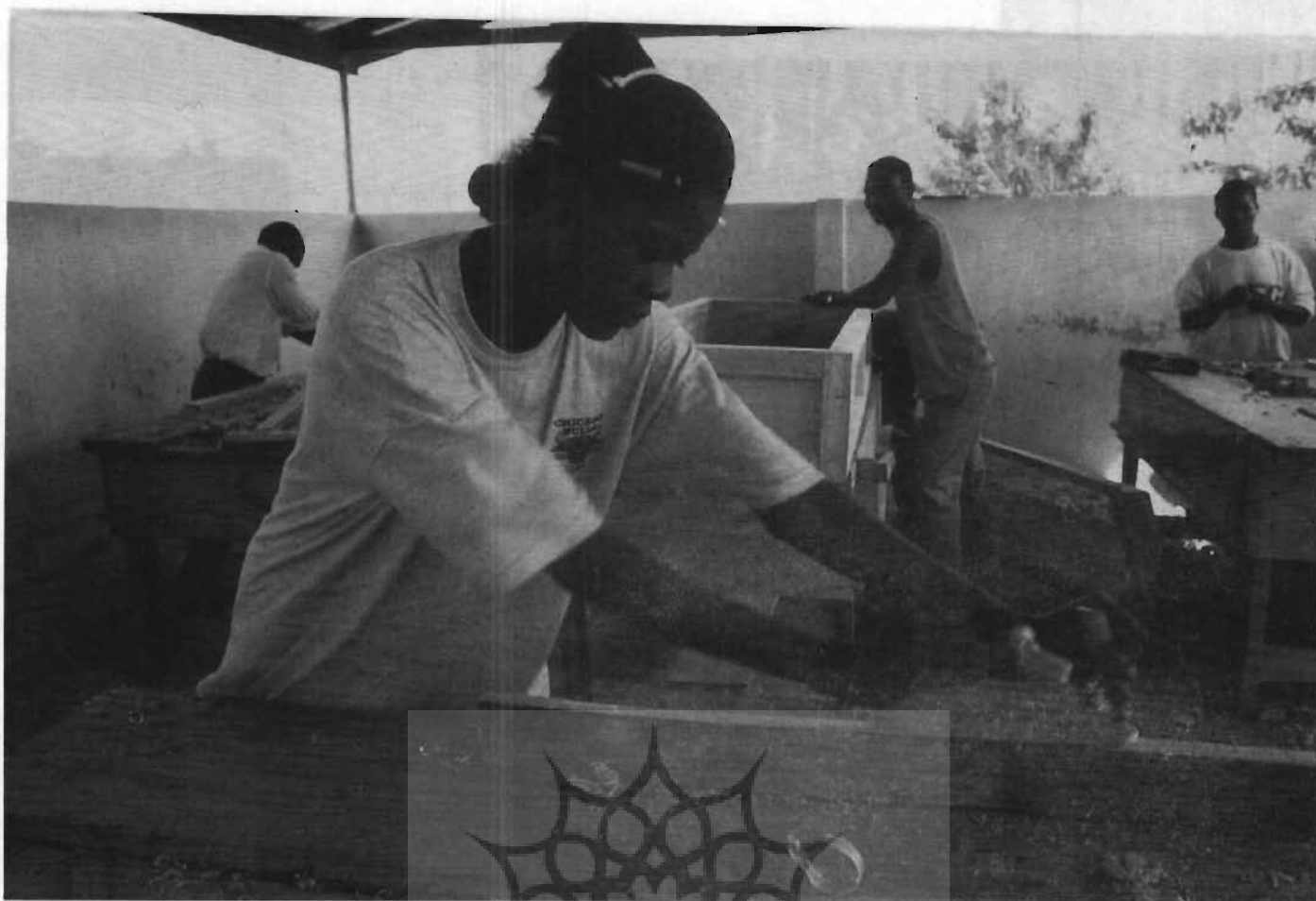
## برنامه‌های خودیاری

البته داشتن تعریفی عملی از فقر به معنای داشتن ابزارهای مالی لازم برای عمل نیست. نه کشورهای درحال توسعه و نه تعاونیها، هیچ یک منابع ضروری برای دادن یارانه به هر فرد بنا به تعریف فقیر را ندارند، یارانه‌ای که بتواند درآمدهای این فرد را افزایش پایدار دهد. چنین افزایش درآمدی، آنهم در مقیاسی گسترده، باید از جای دیگر تأمین شود.

برخی از کشورهای درحال توسعه بویژه در آسیا خیلی زود دریافتند که این «جای دیگر» باید خود مردم فقیر باشند، به شرط آنکه در سیاست‌های کاهش فقر مشارکت داشته

آموزش میانی حساب به زنان روستایی بوریکنالاسو.





در این مرکز آموزشی در غنا زنان پس طی کردن دوره آموزش حرفه‌ای برای راهاندازی واحدهای کوچک حرفه‌ای، وام دریافت می‌کنند.

اصلی، اعتبار است چون بانکها بنا بر برداشت سنتی خود از فعالیت اقتصادی، عادت ندارند که به طرحهای کوچک اعتبار دهند. بویژه اگر این طرحها به دست ندارها که بنا به تعریف، فاقد اعتبار و ناتوان از بازپرداخت وامها هستند اجرا شود. دولتها و تعاونیها با دادن اعتبار به ندارها، امید به آغاز یک رشته فعالیتهایی بستند که منجر به ایجاد فعالیتهای اقتصادی درآمدزا و در نتیجه، کاهش فقر می‌شد. بدین ترتیب، نخستین رابطه میان اعتبار و فقر شکل گرفت.

باشند. به علاوه، این کشورها دریافته‌اند که بسیاری از ندارها از ابتکار و نیروی کافی برای ابداع طرحها یا فعالیتهای کوچک برخوردارند، طرحهایی که به محض اجرا می‌تواند موجب افزایش درآمدشان باشد و با افزایش پیوسته درآمد، به تدریج آنان را از فقر رهایی بخشد، بدون آنکه نیازی به دخالت مستقیم و گسترده دولت باشد. پس بدین منظور، باید موانع ابداع چنین طرحهایی را شناخت و به افراد فقیری که می‌خواهند بر این موانع چیره شوند یاری رساند. یکی از موانع

«چالش اصلی برای خرده وام‌دهی چالشی فرهنگی، آموزشی و اجتماعی است.» پایین، کلاس درس در هوای آزاد (نپال).

#### از اعتبار تا پس‌انداز

با این همه، ایجاد درآمدهای اضافی با دادن اعتبار به افراد فقیر فعال صرفاً وضع بخش کوچکی از مردم را بهبود می‌بخشد، اما بقیه، یعنی اکثریت عظیم مردم چه؟ اعتبار برای آنان هیچ فایده‌ای ندارد و تنها پس‌انداز برای آنان کارساز خواهد بود.

برای درک این نکته باید دید که در فقیرترین و دورافتاده‌ترین منطقه‌های کشورهای درحال توسعه، به واقع چه چیزی در جریان است. در این منطقه‌ها تمامی داد و ستدها با پول نقد انجام می‌گیرد. چون بانکی وجود ندارد و مردم مجبورند نقدینه‌های خود را نزد خود نگاه‌دارند. معامله تنها زمانی امکانپذیر است که یکی از طرفهای معامله بدرغم





در این مرکز در داغستان،  
یک زن آوارهٔ چچنی مشغول دوختن  
لحاف پر برای عرضه به بازار است.

سواد خواندن و نوشتن ندارد و برخورداری از عقل سلیم کافی است. در عوض، در بافت و روابطی که میانجی مالی به تدریج در حول و حوش خود گسترش می‌دهد، دیگر نمی‌توان بیسواد بود و باید از لحاظ فرهنگی در جهان خواندن و نوشتن شریک بود. به همین ترتیب، برای یک تاجر سنتی که پولهایش را در جیب خود نگهداری می‌کند، معامله فقط به خود او مربوط است و نه هیچ کس دیگر. اما به محض آنکه او در بانک حساب باز می‌کند باید دریابد که پول سپرده‌گذاری شدهٔ او در خدمت دیگران نیز هست، یعنی در خدمت مردمی که بانک به آنان اعتبار می‌دهد. در نتیجه او باید دریابد که این پول هم به او تعلق دارد و هم به دیگران. در واقع، او باید واقعیت اجتماعی را که تا پیش از این، از آن بی‌خبر بوده، بپذیرد و به رسمیت شناسد.

از همین رو است که خرده وام‌دهی دگرگون‌های عمیقی را در برخی از جامعه‌ها پدید آورده است. و ساختارهای سنتی روابط با خود، دیگری و جامعه زیر و رو شده است. ساختار زبانی نیز به یک مانع بدل شده است چون برای مثال در زبانهای افریقای جنوبی برای عمل وام گرفتن و وام دادن یک فعل وجود دارد. بنابراین، تعاونها باید دوراندیش و آگاه باشند و از پیشداوریها بپرهیزند. بنابراین، طرح ارائه خرده اعتباری که در ادامه، ۴۰ درصد از وام‌گیرندگان وامهایشان را

خطر گم کردن پول یا به سرقت رفتن آن، دسته‌های اسکناس را همراه خود بیاورد. کسی که می‌خواهد پس‌اندازی داشته باشد در بهترین حالت می‌تواند این کار را با خرید دام انجام دهد، و در چنین شرایطی، برای قشرهای بسیار فقیر دشوار است که بتوانند مبلغ کافی را برای رهایی از شرایطشان جمع کنند. نبود نهادهایی که امکان تبدیل پول نقد به سپرده و سپس پس‌انداز را می‌دهد دلیل پنهان اما واقعی آن است که چرا فقر در میان مردم تا به این اندازه پایدار و مستحکم است.

ندارها می‌توانند به شیوه‌ای کارا پس‌انداز کنند و داد و ستدهای میان آنان دشواریهای بیشتری را پدید می‌آورد. این امر به دلیل نبود میانجیهای مالی برای ارائه خدمات پایهای مالی است، خدماتی که می‌تواند موجب ظهور فعالیتهای اقتصادی شود و منطقهٔ آنان را از فقر برهاند.

پس اعتبار به همراه خرده وام‌دهی (فرایندی که توسعه میانجی‌گری مالی را در سطح محلی فراهم می‌آورد) یکی از قویترین ابزارهای مبارزه با فقر و انزوای اقتصادی است. و بانکها، چه بانکهای دولتی، چه بانکهای غیردولتی یا ترکیبی از آن دو، معماران این توسعه‌اند.

#### گامهای بعدی

در شیوه سنتی انجام معامله یا پس‌انداز، فرد فقیر نیازی به

بازپرداخت نکنند، به خودی خود طرح بدی نیست. اینکه از هر ده نفر وام‌گیرنده چهار نفر به تمهد بازپرداخت خود عمل نمی‌کنند از آن رو است که بازپرداخت وام در موعد معین یک رفتار ذاتی نیست بلکه فرهنگی اکتسابی و خاص جامعه‌هایی است که در آنها، عمل وام گرفتن بسیار شایع و گسترده است. در نتیجه، یک طرح خوب در ارزیابی اولیه خود از نیازهای مردم بومی، باید این عوامل را نیز در نظر گیرد.

### چالش اصلی

پس چالش اصلی برای خرده وام‌دهی دیگر چالشی مالی نیست بلکه چالشی فرهنگی، آموزشی و اجتماعی است. تعاونی‌های دو یا چندجانبه که با بانک جهانی کار می‌کنند و شبکه‌های اصلی خرده وام‌دهی را هدایت می‌کنند، همکاری تنگاتنگی را برای بررسی تمامی مسائل احتمالی ناشی از خرده وام‌دهی آغاز کرده‌اند. از هم‌اکنون تا دو سه سال آینده، روش‌های متفاوت اجرای نظام‌های خرده وام‌دهی کاملاً مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

گام بعدی بهره‌برداری از انقلاب عظیمی است که دستاورد پیشگامان آسیایی، یعنی بانک گرامین بنگلادش و

بانک رکیات اندونزی است، دستاوردی که بانک‌های دیگری همچون بانک بانکوسل در امریکای لاتین آن را تداوم بخشیده و ابتکارهای گوناگون افریقاییها همچون واحد اقتصاد روستایی کنیا (K-REP) آن را تکمیل کرده و به پیش برده است.\*

خرده وام‌دهی با ایجاد گروه‌های همبسته، با پافشاری بر ضرورت انضباط شخصی در بازپرداخت وامها و با اندیشیدن به هر فعالیت فردی در قالب اجتماعی، درها را می‌گشاید. برای توسعه خرده وام‌دهی باید به موازات آن، فعالیت‌هایی را در زمینه سوادآموزی، آموزش، آموزش حرفه‌ای و بهداشت در میان مردم انجام داد چون هدف خرده وام‌دهی همین ساختارهای اجتماعی است و از رهگذر همین ساختارهاست که خرده وام‌دهی استقرار می‌یابد.

تنها بر پایه توسعه فرهنگی، آموزشی و اجتماعی است که خرده وام‌دهی امکان می‌یابد هدف نخستین خود را از نظر دور ندارد و همچنان ابزاری برای مبارزه با فقر باشد. ■

\* مؤسسه‌ای مانند «کمیته امداد امام خمینی» در کشور ما نیز با توجه به برنامه‌های موفقیت‌آمیزی که در سطح کشور به مورد اجرا گذاشته‌اند اگر خوب معرفی شوند ممکن است الگوهای مناسبی تلقی شوند.

کلبه‌های ماهیگیران در کرانه‌های رود می‌کونگ.

